

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

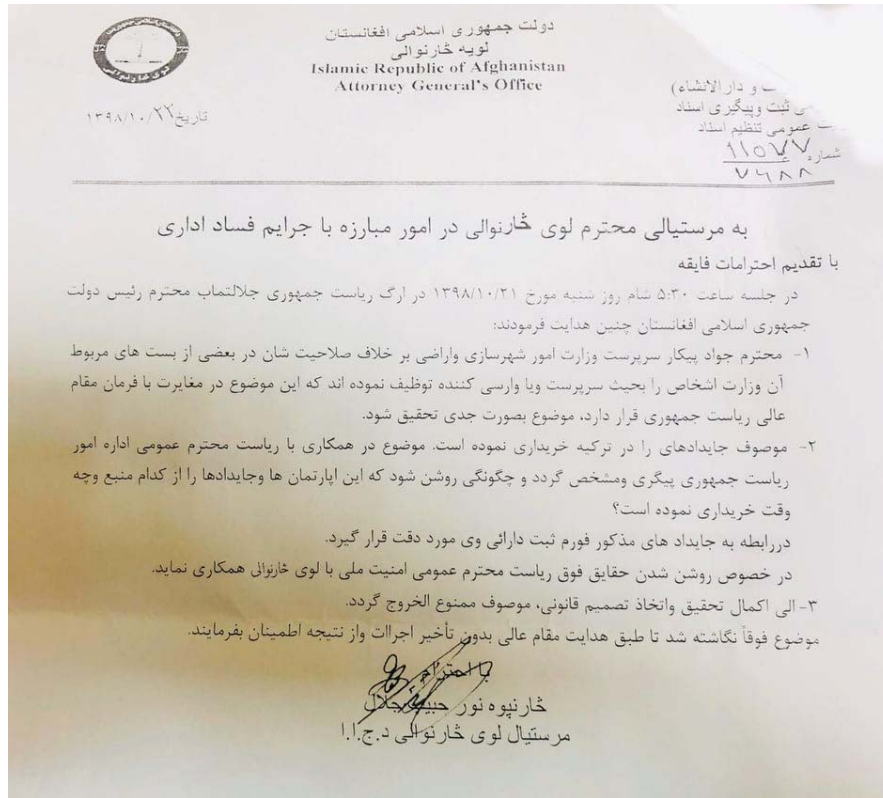
Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ جنوری ۲۰۲۰

## "کارهای سرچپه" و یا "سرچپه های کار"؟؟



سه شنبه- ۲۴ جدی ۱۳۹۸ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم، که "غنی احمدزی" یکی از وزرای نازدانه و گل مهره اش را "پی کار"ش فرستاده است. در یادداشت امروز توجه شما را به همین مورد جلب می نمایم. اما قبل از آن:

یکی از دوستانی که گویا از جامعه هند بیشتر از من شناخت دارد و به علاوه تماشای صدها فلم هندی، چندین بار بدانجا مسافرت هم داشته، قصه می کرد، که در نیم قاره هند و ترکیب پراکنده و مغلق اجتماعی - فرهنگی آن، در یکی از

روستا ها رسم بر آن است که همه ساله، خانه "دلاک" روستا را چور می نمایند. این دوست می گوید وقتی از آنها دلیل چنین ظلم آشکاری را پرسیدم، گفتند:

"در جامعه ما دلاکی "شغل پستی" است و هیچ کس حاضر نیست به میل و رضای خاطر بدان بپردازد. ما خانه دلاک را چور می اندازیم تا وی نتواند پولی پس انداز نماید و با رفع نیازمندیهایش این شغل را ترک کند"

هموطنان گرامی!

وقتی به کارهایی که "غنی احمدزی" در دولت دست نشانده انجام می دهد و همکارانش را زودتر از آن که توده های فقیر ما بتوانند، کفش عوض نمایند، دور می اندازد، می نگریم، انسان بدین فکر می افتد که با قبول حرفهای "حامدکرزی" که "غنی احمدزی" را مهاجران هندی تبار معرفی نموده بود، این نکته را باید افزوده شود که اگر اجداد وی از هند آمده باشند، حتماً از همان قریه ای آمده اند که سالانه دلاکان شان را چور می اندازند. زیرا از تقرر "جواد پیکار" وزیر شهر سازی و اراضی صرف یک سال و یکماه و ۱۳ روز یعنی از ۱۰ قوس ۱۳۹۷ تا اکنون می گذرد. و اما بیائیم جهت آگهی بیشتر از قضیه، بحث ما را از مکتوب "خارنوالی" آغاز نمائیم:

لطفاً مکتوب ممنوع الخروج اعلام داشتن "جواد پیکار" را باز هم بخوانید، تا بیشتر به عمق مسأله پی ببرید. تا جایی که از مطالعه مکتوب بر می آید خشم اصلی "غنی احمدزی" بر "جواد پیکار"، مقرر ساختن افراد بالاتر از صلاحیتش می بوده که در مغایرت با دساتیر "غنی احمدزی" می باشد. اینکار به دو معناست:

در تمام وزارتخانه های دولت دست نشانده، تقرر افراد با دو اصل صورت می گیرد: زور و واسطه و قوانین اداری. آن وزرائی که زور و واسطه دارند و یا هم از اساس با یک توافق سیاسی بر یک کرسی تکیه زده اند، افراد را بدون در نظر داشت تمام لوایح و مقررات در هر رتبه و بستی که خواسته باشند مقرر می نمایند به اصطلاح وطنی "معاشش همان معاش، مگر رتبه اش دو چند" را می سازند. در بعضی موارد رؤسا و وزرائی که پشتوانه شان ضعیف شده می باید جهت تقرر افراد، به قانون مراجعه نمایند. قانون استخدام مأموران به وزراء صلاحیت داده است که الی رتبه ۵، می توانند به امضای خودشان کسی را مقرر نمایند، بالاتر از آن را موظف اند به مقامات بالاتر معرفی و از مجلس وزراء و توشیح رئیس جمهور بگذرانند.

با در نظر داشت این قانون و مقررات، مکتوب خارنوالی مشخص نساخته است که "جواد پیکار" این نافرمانی ها، گستاخی ها و اتخاذ تصمیم مغایر دساتیر "غنی احمدزی" را در کدام سطح انجام داده است؟ آیا واقعاً چون خود را برمینای وعده ها و قول و قرار های انتخاباتی با "غنی احمدزی" صاحب اختیار می دانست، کسی را مقرر نموده که از صلاحیت رسمی اداری اش بالاتر بوده است و یا این که با مقرر نمودن یک پیاده دفتر، در اداره ای که "غنی احمدزی" فکر می کند میراث جد و آبایش است و کاملاً شخصی است، در مغایرت با دستور وی عمل نموده است.

و اما در بند های بعدی مکتوب، که تثبیت ملکیت "جوادپیکار" در داخل و خارج مطرح شده و غیر مستقیم طرف را از باند های ترور ریاست امنیت ضدملی نیز ترسانده است، در واقع همه نمایانگر خشم بی حد "غنی احمدزی" بروی می باشد. "غنی احمدزی" و خارنوالی تحت فرمانش با این طرز بیان رسماً اعلام می دارند که وقتی با کسی اختلاف پیدا نمایند، جهت زدن حریف هیچ حد و مرزی نمی شناسند.

هموطنان گرامی!

آنچه در این مکتوب با تمام شد و مد آن، مطلقاً دیده نمی شود وضعیت فعلی "جوادپیکار" است. او ممنوع الخروج اعلام شده است، مگر در خبر نیامده که تا هنوز به حیث سرپرست وزارت کار می کند و یا خیر؟ نکند "غنی احمدزی" از

یک وزیر ممنوع الخروج و اداره تحت امرش توقع داشته باشد که هم وزیر کار کند و هم زیردستانش از وی اطاعت نمایند؟! این یعنی سرچپه شدن کارها!

هموطنان گرامی!

در این که "جواد پیکار" نیز یکی از خاینانی است که در دولت دست نشانده کار می کند، و ممکن به مانند تمام همقطاراننش به علاوه خیانت به میهن در هزاران سرقت و دزدی نیز دست بالا داشته باشد، حرفی وجود ندارد، آنچه مهم است دانستن این نکته است که "جواد پیکار" تافته جدا بافته ای نیست، بلکه حلقه کوچکی از یک زنجیر است که از جانب استعمار بر پای و بدن کشور ما افکنده شده است. ما ناگزیریم جهت آزادی کشور و رفاه تمام مردم، آن زنجیر را بشکنیم، فقط با شکستن تمام زنجیر می شود آزادی کشور و رفاه مردم را در چشم رس قرار داد.

**سرکها ما را می طلبد!!**